ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
پنج شنبه • ۱۹ فروردین ۱۴۰۰
۲۵ شعبان ۱۴۴۲ • ۸ آوریل ۲۰۲۱
شماره ۲۰۶۳۰
۱۸۵۰

ستاره‌های خرافاتی

**چیدن مو توسط رونالدو قبل از شروع بازی، حساسیت سوارز به کفش‌هایش
لمس چانه توسط کورتواو... از عادات عجیب بعضی بازیکنان سرشناس
جهان برای روی آوردن شانس به آن‌ها در زمین بازی است**

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

وقتی به فوتبال حرفه‌ای فکر می‌کنید، چه کلماتی در ذهن‌تان تداعی می‌شود؟ پول؟ هیجان؟ رقابت؟ بعید است هوادار فوتبال باشید و یکی از واژه‌های اصلیِ خطور کرده به ذهن‌تان، جادو و جنبل نباشد. باور تیم‌های سرشناس فوتبال به رمالی و جادوگری مسئله پنهانی نیست. در ایران و خارج از کشور بارها شنیده‌ایم که فلان تیم از رمال کمک می‌گیرد و فلان مربی، باختِ تیمش را نتیجه طلسم شدن از سوی حریف می‌داند و آن یکی مربی تا مراسم آیینی خاصش را اجرا نکند، وارد زمین نمی‌شود. در جام جهانی ۲۰۰۶، مربی فرانسه یکی از بهترین مهاجم‌هایش یعنی «ترزگه» را روی نیمکت نشاند چون یک رمال به او چنین توصیه کرده بود. «جورجینیو»، هافبک ایتالیایی چلسی در مصاحبه‌ای فاش کرد که سرمربی‌اش، «مائوریتزیو ساری» فوق‌العاده خرافاتی است و یک نمونه از باورهای عجیبش این است که اگر توپی از خط طولی زمین بیرون برود، هرگز آن را لمس نمی‌کند و حاضر نمی‌شود آن را به زمین بازی برگرداند. خرافه‌های فوتبالی اما محدود به زمین بازی نیست و بین هواداران متعصب هم رایج و پذیرفته شده است. در نیمه نهایی جام ۱۹۹۰ که ایتالیا از حریفش آرژانتین شکست خورد، مردم ایتالیا عدد ۱۷ را عامل باخت تیم ملی‌شان دانستند چون ایتالیا برای هفدهمین بار در «ناپل» به میدان رفته بود؛ گلی که به ثمر رساند، در دقیقه ۱۷ بود و نخستین پنالتی هدررفته‌اش هم کار بازیکنی بود که پیراهن شماره ۱۷ را پوشیده بود. در این خرافه‌بازار، فوتبالیست‌ها چه جایی دارند؟ ممکن است ستاره‌های موفقی که به تلاش و تمرین اعتقاد دارند، خریدار باورهای خرافی باشند؟

کدام بازیکن، چه خرافه‌ای؟

باورهای خرافی معروف‌ترین فوتبالیست‌های دنیا که همه‌شان عجیب، غیرمنطقی و باورنکردنی هستند

معروف‌ترین و عجیب‌ترین خرافه فوتبالی در سال‌های اخیر با نام «آرون رمزی» همراه شده است. این هافبک با کفایت انگلیسی بیشتر از آن که به‌دلیل عملکرد خوبش در زمین شناخته شده باشد، بین فوتبالی‌ها و غیرفوتبالی‌های خرافاتی، به گل‌های مرگبارش شهره است. بعضی‌ها معتقدند هربار رمزی گل می‌زند، فرد مشهوری از دنیا می‌رود. سناتور «تد کندی»، «استیو جابز» و «ری ویلیامز» بسکتبالیست از جمله کسانی هستند که همزمانی مرگ‌شان با چند روز فاصله پیش یا پس از درخشش‌های رمزی، به گل زدن او ربط داده شده است! در ادامه، باورهای خرافی دیگری از زمین چمن برای‌تان گزارش می‌کنیم که به همان اندازه عجیب، غیرمنطقی و باورنکردنی هستند.

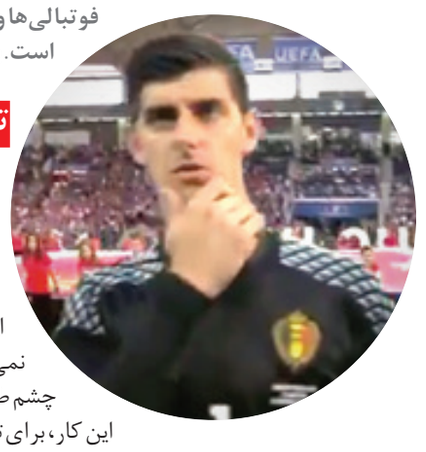

تیبو کورتوا | لمس چانه هنگام خواندن سرود

«تیبو»، دروازه‌بانِ قدر بلژیکی که در جام جهانی ۲۰۱۸، بهترین دروازه‌بان شناخته شد و سابقه گلری در چلسی و رئال مادرید دارد، از معتقدان سفت و سخت شانس و اقبال است. رفتار خرافی تیبو هنگام خواندن سرود ملی کشورش، بروز می‌کند. در همه فیلم‌هایی که از تیبو موقع خواندن سرود موجود است، او را در حال لمس کردن چانه‌اش می‌بینیم. تیبو البته فکر نمی‌کرد کسی متوجه رفتارش بشود اما عادت عجیبش از چشم طرفداران پنهان نماند و بعدها معلوم شد او معتقد است با این کار، برای تیمش خوش‌شانسی می‌آورد. باید از تیبو پرسید چرا لمس کردن چانه‌اش همیشه جواب نمی‌دهد و تیمش گاهی با بدشانسی از زمین خارج می‌شود.

کولو توره | وارد شدن به زمین به‌عنوان آخرین بازیکن

«توره»، فوتبالیست اهل ساحل عاج و با سابقه بازیگری در آرسنال و منچسترسیتی، همیشه اصرار داشت آخرین بازیکنی باشد که وارد زمین می‌شود. این باور خرافی گرچه غیرعادی بود ولی مشکلی ایجاد نمی‌کرد تا این که در یکی از بازی‌های آرسنال در سال ۲۰۰۹ هم‌تیمی توره، «ویلیام گالاس»، بین دو نیمه مصدوم شد. گالاس در رختکن ماند تا به مصدومیت‌اش رسیدگی شود و توره هم در کمال تعجب وارد زمین نشد چون معتقد بود آخرین نفر نبودن، برایش خوش‌یمن نیست. به این ترتیب آرسنال، ۹ نفره و بدون دو مدافع میانی خود بازی را ادامه داد. اتفاق بدتر وقتی رخ داد که توره بعدا وارد زمین شد ولی بدون اجازه داور و بابت رفتارش، کارت زرد گرفت تا به این ترتیب از کیسه اعتبار و آبرویش، خرج خرافاتی بودنش را بپردازد.

گری لینه‌کر | شوت نزدن در تمرینات

گری با ۴۸ گل ملی، سومین گلزن برتر تیم ملی انگلیس است اما این تنها دلیل شهرت مهاجم سابق انگلیسی نیست. گری در گرم کردن‌هایش پیش از بازی، به دلیل رفتار ویژه‌اش مورد توجه قرار گرفت. هرکس گری را هنگام تمرین می‌دید، به سرعت متوجه می‌شد که برخلاف سایر بازیکن‌ها شوت نمی‌زند. اگر دلیلش را از او بپرسید، با تعجب نگاه‌تان می‌کند و جواب می‌دهد: «خب معلوم است. برای این که شوت‌هایم هدر نرود!». لینه‌کر معتقد بود ظرفیت شوت و گل محدودی دارد که در تمرینات پیش از بازی نباید هدرش بدهد. عملکرد فوق‌العاده گری در زمین بازی باعث شده بود باور کند که همه موفقیت‌اش را مدیون رفتار خرافی‌اش است.

لوییس سوارز | دست نزدن دیگران به کفش‌هایش

لوییس سوارز یکی از بزرگ‌ترین گلزنان جهان فوتبال است و برای آژاکس، لیورپول، بارسلونا و تیم ملی اروگوئه گل‌های زیادی را به ثمر رسانده است. وقتی پای خرافات در میان باشد، مهاجم اتلتیکومادرید حساسیت خاصی روی کفش‌هایش دارد! «گلن جانسون»، همبازی سوارز در لیورپول، می‌گوید که او دوست ندارد دیگران به کفش‌هایش دست بزنند: «من بازیکنانی را دیده‌ام که اگر به کفش‌های‌شان دست بزنید، به شدت عصبانی می‌شوند. سوارز هم یکی از آن‌ها بود. سوارز گاهی چنان از این که کسی به کفش‌هایش دست زده، عصبانی می‌شد که یک جفت کفش جدید می‌خرید و دیگر حاضر نبود از قبلی‌ها استفاده کند چون معتقد بود که دیگر برایش خوش‌شانسی به همراه نخواهد داشت».

جک گریلیش | پوشیدن کفش‌های کهنه‌شانس

فوتبالیست‌ها معمولا با برندهای مشهور ورزشی قرارداد می‌بندند و بهترین و آخرین مدل کفش‌ها را می‌پوشند اما «جک گریلیش»، هافبک تهاجمی «استون‌ویلا» در این زمینه استثنا به شمار می‌رود. در طول فصل ۲۰۱۸-۲۰۱۹ که استون‌ویلا به لیگ برتر صعود کرد، گریلیش به خرافه‌ای درباره کفش‌هایش اعتقاد پیدا کرد. ماجرا از این قرار است که بازی‌ساز استون‌ویلا بعد از یک دوره مصدومیت با کفش‌هایی که بعد تصور کرد جادویی‌اند، وارد زمین شد؛ چند تا گل زد و تعداد بیشتری پاس گل داد و اطمینان حاصل کرد که همه این‌ها کارِ کفش‌هایش است. پس آن قدر کفش‌های شانسش را پوشید که حسابی پاره و کهنه شدند و تیمش صعود کرد. فقط بعد از آن بود که به فکر خریدن یک جفت کفش تازه افتاد.

سرخیو گوی گوچه‌آ | استفاده از زمین بازی به‌عنوان سرویس بهداشتی

«سرخیو»، دروازه‌بان آرژانتینی در سال ۱۹۹۰ به قهرمان ملی تبدیل شد چون با دفع ضربه پنالتی تیم حریف، باعث شده بود آرژانتین به فینال جام جهانی راه پیدا کند. سرخیو در آن تورنمنت در برابر بیشتر ضربات پنالتی، نمایش خیره‌کننده‌ای ارائه کرد و اسمش سرِ زبان‌ها افتاد؛ البته شهرتش با یک خرافه عجیب هم همراه شد. بازیکنان در آن بازی‌ها نمی‌توانستند برای رفتن به دستشویی، زمین را ترک کنند. سرخیو در بازیِ معروفش، نیاز شدیدی به توالت پیدا می‌کند و چون اجازه بیرون رفتن نداشته است، همان جا کارش را انجام می‌دهد. آرژانتین در آن بازی، برنده می‌شود و سرخیو باور می‌کند بین این دو مسئله ارتباطی وجود دارد؛ پس در تمام بازی‌های بعدی وقتی با ضربات پنالتی مواجه می‌شود، از زمین بازی به عنوان توالت استفاده می‌کند تا برای تیمش شانس بیاورد!

کریستیانو رونالدو | چیدن مو پیش از بازی

پنج بار برنده توپ طلا و یکی از بزرگ‌ترین فوتبالیست‌های تمام دوران، عبارت‌هایی است که هر طرفدار فوتبالی را بی‌درنگ به یاد رونالدو می‌اندازد اما وقتی صحبت از خرافات می‌شود، سخت می‌توان حدس زد که مرد سخت‌کوش زمین، جایی در فهرست خرافاتی‌ها داشته باشد. رونالدو مجموعه‌ای از عادت‌های عجیب دارد که به مرور زمان و براثر تکرار، شکل خرافه به خود گرفته‌اند؛ مثلا این که در سفرهای ورزشی، حتما باید اولین نفر از هواپیما پیاده شود؛ با پای راست وارد زمین چمن می‌شود و پیش از بازی مقدار کمی از موهایش را می‌چیند. از آن جایی که رونالدو همیشه در اوج بوده، عجیب نیست که فکر کند بخشی از موفقیت‌اش نتیجه رعایت کردن این مراسم است.

لوییس سوارز | دست نزدن دیگران به کفش‌هایش

لوییس سوارز یکی از بزرگ‌ترین گلزنان جهان فوتبال است و برای آژاکس، لیورپول، بارسلونا و تیم ملی اروگوئه گل‌های زیادی را به ثمر رسانده است. وقتی پای خرافات در میان باشد، مهاجم اتلتیکومادرید حساسیت خاصی روی کفش‌هایش دارد! «گلن جانسون»، همبازی سوارز در لیورپول، می‌گوید که او دوست ندارد دیگران به کفش‌هایش دست بزنند: «من بازیکنانی را دیده‌ام که اگر به کفش‌های‌شان دست بزنید، به شدت عصبانی می‌شوند. سوارز هم یکی از آن‌ها بود. سوارز گاهی چنان از این که کسی به کفش‌هایش دست زده، عصبانی می‌شد که یک جفت کفش جدید می‌خرید و دیگر حاضر نبود از قبلی‌ها استفاده کند چون معتقد بود که دیگر برایش خوش‌شانسی به همراه نخواهد داشت».

درباره دلایل شکل‌گیری و دوام اعتقادات خرافی

خرافات فوتبالی از کجا نشئت می‌گیرند؟

منشأ خرافات فوتبالی، چیزی جدا از ریشه کلی باورهای خرافی نیست؛ میل انسان به تحت کنترل درآوردن اوضاع. زندگی، پر از وقایع غیرقابل پیش‌بینی است و ما – احتمالا جز در جشن تولدمان – دوست نداریم غافلگیر شویم. از آن جایی که نمی‌توانیم اختیار همه امور را در دست بگیریم، «باور به کنترل» را در خودمان ایجاد می‌کنیم. چطوری؟ یکی از اساسی‌ترین راه‌ها که لزوما هم آگاهانه نیست، پیوند دادن رفتارها و وقایع تصادفی به یکدیگر و استنباط معنا از آن‌هاست. با یک مثال، منظورم را واضح‌تر بیان می‌کنم. امروز چهارشنبه است. کنار خیابان منتظر تاکسی ایستاده‌ام. لباس سفید پوشیده‌ام و چتری در دست چپم دارم چون هوا ابری است و احتمالا باران می‌بارد. سوار تاکسی که می‌شوم، چند متر جلوتر تصادف می‌کنیم. با عجله از ماشین پیاده می‌شوم تا با اتوبوس خودم را به محل کارم برسانم. وقتی می‌خواهم کرایه اتوبوس را حساب کنم، می‌فهمم کیف پولم را توی تاکسی جا گذاشته‌ام. راننده، دادوبیداد راه می‌اندازد. خجالت‌زده پیاده می‌شوم و روی پله اتوبوس، سکندری می‌خورم. یک بدبیاریِ تمام‌عیار! دلم نمی‌خواهد چنین روزی دوباره تکرار شود پس فکر می‌کنم چهارشنبه‌ها لباس سفید پوشیدن، بدیمن است و اگر مجبور باشم چتر همراهم بردارم، حتما آن را توی دست راستم می‌گیرم. به طور طبیعی احتمالِ این که در یک چهارشنبه ابری دیگر، با اتفاقات بد پی در پی مواجه شوم کم است اما من نتیجه می‌گیرم که لباس تیره و چترِ توی دست راست است که بدبیاری چهارشنبه‌ها را دفع می‌کند. شاید فکر کنید ربط دادن این سلسله حوادث به یکدیگر، خیلی ساده‌لوحانه است. بله و خرافه همین‌طوری متولد می‌شود. پس چرا باورهای خرافی ریشه‌دار مان به نظر ساده‌لوحانه نمی‌آید؟ چون از فرایند تولدشان بی‌خبریم؛ مشمول گذر زمان شده‌اند و هر چیزی با رنگ‌وبوی سنت، قابل قبول یا دست کم بی‌نیاز از تحلیل به نظر می‌رسد چون لابد پیش از ما به آن موضوع فکر شده است؛ و دیگران و سلسله حوادثِ تصادفی دیگر، این باورها را تأیید می‌کنند. بیایید از خود فوتبالیست‌ها کمک بگیریم تا سازوکار فریبنده باورهای خرافی را بهتر بشناسیم.

چطور فریب می‌خوریم؟

اعتقادات خرافی، واجد قدرت جادویی هستند یا نیروی‌شان را از باور ما می‌گیرند؟ برای جواب دادن به این سوال باید بتوانیم از باور سفت‌وسخت‌مان فاصله بگیریم و از بیرون به آن نگاه کنیم. کار آسانی نیست ولی می‌توانیم از تجربه «پله» استفاده کنیم. اسطوره برزیلی، پیراهنی را که در یکی از بازی‌های موفقیت‌آمیزش پوشیده بود، به یک هوادار هدیه داد و بعد از آن ناگهان عملکردش افت کرد. پله که مطمئن بود دلیل ناکامی اخیرش به آن پیراهن مربوط است، یکی از دوستانش را مأمور کرد که هوادار را پیدا کند و پیراهن شانس را پس بگیرد. یک هفته بعد، رفیقِ جناب اسطوره با دست پر از راه رسید و همان‌طور که قابل حدس است، پله دوباره به روزهای گلزنی‌اش برگشت. خب تا این جا همه چیز باور کردنی به نظر می‌رسد البته اگر ندانیم دوست پله نتوانسته بود هوادارِ صاحب پیراهن شانس را پیدا کند و یک پیراهن دیگر را جایگزین آن کرده بود.

اختلالات روانی در پوشش خرافه

بین باورهای خرافی که ما را به انجام رفتارهای خاصی مجبور می‌کنند و اختلال وسواس فکری-عملی (OCD) که با فشار الگوهای رفتار تکراری همراه است، مشابهت‌هایی وجود دارد. همه خرافه‌ها، اختلال نیستند اما گاهی اختلال وسواس با خرافه اشتباه گرفته می‌شود. از تجربه «دیوید بکهام» برای توضیح این موضوع استفاده می‌کنم؛ ستاره جذاب انگلیس همیشه عادت داشت پیش از بازی، همه چیز را در یخچال نظم بدهد و بعد خانه را ترک کند. بکهام در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که مبتلا به وسواس است و اعتقادش به اعداد زوج، قرینه بودن چیزها و مرتب بودن وسایل توی یخچال و اتاق هتل، در واقع از بیماری‌اش نشئت می‌گیرد و هیچ ارتباطی با عملکردش در زمین بازی ندارد.

تأثیر شرایط بیرونی بر باور به خرافات

وجه مشترک خرافاتی‌هایی که در این پرونده از آن‌ها یاد کردیم، زندگی تحت فشار است. فوتبالیست‌ها استرس فوق‌العاده زیادی متحمل می‌شوند و سرشناس‌های‌شان، تحت فشار بیشتری هستند چون تیم، طرفدارها و از همه مهم‌تر خودشان توقع دارند همیشه بهترین عملکرد را داشته باشند. برای همین است که حتی کسی در حد و اندازه‌های رونالدو با آن میزان اعتمادی که به قابلیت‌های خودش دارد، وقتی در برابر چنین استرسی قرار می‌گیرد، ترجیح می‌دهد بخشی از آن را به بیرون از خودش منتقل کند؛ «من به تنهایی از پس این حجم از فشار و انتظار برنمی‌آیم پس یک دستاویز ماورایی برای خودم ترتیب می‌دهم. چیزی که با قدرت جادویی‌اش از من محافظت کند، مطمئن باشم با تکیه کردن بر آن اوضاع بر وفق مراد پیش می‌رود و بخشی از بار ناکامی و شکست را هم برعهده بگیرد؛ شانس نیاوردم!»

منابع: bleacherreport.com, 90min.com, sportskeeda.com, ورزش3